

## طبقه‌بندی و ضبط افعال اصطلاحی فارسی

[بخش دوم]

امید طیب‌زاده

از ساخت آنها است:

(۴۹) مواز ماست کشیدن؛ (۵۰) پنبه کسی را زدن؛ (۵۱) کلاه سرکسی گذاشتن؛ (۵۲) با آب حمام دوست گرفتن؛ (۵۳) به گور حاتم لگزدن در تمام این افعال فاعل در بیرون از اصطلاح وجود دارد. هریک از این دو دسته (درون‌مرکز و برون‌مرکز) را نیز براساس حضورداشتن ضمیر (متمم) در ساخت آنها به دو دسته تقسیم می‌کنیم: «با متمم ضمیر» و «بدون متمم ضمیر». افعال اصطلاحی با متمم ضمیر افعالی هستند که در ساخت آنها یک یا دو ضمیر وجود دارد، مانند مثالهای ۴۵ تا ۴۷ و ۵۰ و ۵۱ در بالا، که در تمام آنها ضمیر «کسی» وجود دارد. و افعال اصطلاحی بدون متمم افعالی هستند که در ساخت آنها هیچ ضمیری به‌عنوان متمم وجود ندارد؛ مانند مثالهای ۴۸، ۵۲ و ۵۳.

بنابر آنچه تاکنون گفته‌ایم، بخش مربوط به افعال گروهی در نمودار ۱۷ را با دقت و جزئیات بیشتری نمایش می‌دهیم:

$\left. \begin{array}{l} ۱. \text{ با متمم ضمیر} \\ ۲. \text{ بدون متمم ضمیر} \\ ۳. \text{ با متمم ضمیر} \\ ۴. \text{ بدون متمم ضمیر} \end{array} \right\}$	$\left. \begin{array}{l} \text{درون‌مرکز} \\ \text{برون‌مرکز} \end{array} \right\}$	$\left. \begin{array}{l} \text{لغت} \\ \text{کتابه} \\ \text{تک‌فعلی} \\ \text{دوفعلی} \end{array} \right\}$	$\left. \begin{array}{l} \text{افعال مرکب} \dots \\ \text{افعال اصطلاحی} \end{array} \right\}$	$\left. \begin{array}{l} \dots \\ \text{گروهی} \end{array} \right\} \text{ (۵۴) افعال گروهی}$					
					۱. با متمم ضمیر	درون‌مرکز	لغت	افعال مرکب ...	$\left. \begin{array}{l} \dots \\ \text{گروهی} \end{array} \right\} \text{ (۵۴) افعال گروهی}$
					۲. بدون متمم ضمیر	درون‌مرکز	کتابه	افعال مرکب ...	
					۳. با متمم ضمیر	برون‌مرکز	تک‌فعلی	افعال اصطلاحی	
					۴. بدون متمم ضمیر	برون‌مرکز	دوفعلی	افعال اصطلاحی	

در زیر، ابتدا افعال اصطلاحی تک‌فعلی (۱.۴ تا ۴.۴) و سپس افعال اصطلاحی دوفعلی (۵.۴) را بررسی می‌کنیم.

### ۱.۴ افعال اصطلاحی درون‌مرکز با متمم ضمیر (۱-۵۴)

افعال اصطلاحی درون‌مرکزی را که در ساخت آنها ضمیری به‌عنوان متمم وجود دارد، براساس آرایش نحوی عناصرشان به سه دسته (۵۵ و ۵۶) و (۵۷) تقسیم می‌کنیم:

(۵۵) [فاعل] + { ۱. [متمم فعل (ضمیر)]  
۲. [متمم فعل + متمم فعل (ضمیر)] } + [فعل]

(۵۶) [فاعل + متمم فاعل (ضمیر)] + { ۱. [فعل]  
۲. [متمم فعل (ضمیر)]  
۳. [متمم فعل (ضمیر)]  
۴. [متمم فعل + متمم فعل (ضمیر)] } + [فعل]

(۵۷) { ۱. [مفعول (ضمیر)]  
۲. [مفعول + متمم مفعول (ضمیر)] } + [فعل]

برای هر یک از این انواع یک یا چند مثال می‌آوریم.

### ۴) طبقه‌بندی افعال اصطلاحی

افعال اصطلاحی از جمله محدود موضوعاتی در بخش صرف زبان فارسی هستند که برای طبقه‌بندی آنها از نظر ساختی ناچار به استفاده از داده‌های نحوی هستیم. در این بخش از مقاله می‌کوشیم طبقات عمده افعال اصطلاحی را معرفی کنیم.

در ساخت افعال اصطلاحی سازه‌های نحوی مشخصی وجود دارد که براساس روابط میان آنها می‌توانیم این افعال را طبقه‌بندی کنیم. این سازه‌ها عبارتند از:

(۳۹) فاعل، فعل، مفعول، و مسند

هر یک از این سازه‌ها وابسته‌ها یا متممهایی دارند به شرح زیر:

(۴۰) متمم فعل (= حرف اضافه + اسم یا ضمیر)

(۴۱) متمم متمم فعل (= حرف اضافه + ضمیر)

(۴۲) متمم فاعل (فقط به صورت ضمیر)

(۴۳) متمم مفعول (به صورت اسم یا ضمیر)

(۴۴) متمم مسند<sup>۱</sup>

چنانکه اشاره شد، «فعل» (در ۳۹) عبارت است از «فعل بسیط»، «فعل پیشوندی»، «فعل مرکب» و نیز «مسند + فعل ربطی». «ضمیر» نیز (در متممهای ۴۰ تا ۴۳) عبارت است از کلماتی چون «کاری»، «جایی»، «کسی»، «چیزی»، «امری»، «خود»، «همه»، «چند نفر»، و مانند آن که به جای آنها بتوان از کلمات دیگر استفاده کرد.

تعداد بسیار اندکی از افعال اصطلاحی فارسی دارای دو فعل صرف‌پذیر هستند. از این رومی‌توان افعال اصطلاحی را براساس تعداد افعال صرف‌پذیرشان به دو دسته «تک‌فعلی» و «دوفعلی» تقسیم کرد.

افعال تک‌فعلی که قریب به اتفاق افعال اصطلاحی از آن نوع هستند، از نظر حضورداشتن یا نداشتن فاعل در ساخت آنها، به دو دسته تقسیم می‌شوند: «افعال اصطلاحی درون‌مرکز» و «افعال اصطلاحی برون‌مرکز». افعال اصطلاحی درون‌مرکز به افعالی می‌گوییم که فاعلشان در درون ساختشان وجود دارد:

(۴۵) باد به بیرق کسی خوردن؛ (۴۶) بغض کسی ترکیدن؛ (۴۷) پای کسی به سنگ خوردن؛ (۴۸) آب از سرچشمه گل آلود بودن.

در این افعال کلمات «باد»، «بغض»، «پا» و «آب» در حکم فاعل اصطلاحات هستند.

افعال اصطلاحی برون‌مرکز به افعالی گفته می‌شود که فاعلشان در بیرون

۱.۱.۴ [فاعل] + [متمم فعل (ضمیر) + فعل] (۱-۵۵)  
 ۵۸ بخار از کسی برخواستن

۲.۱.۴ [فاعل] + [متمم فعل + متمم فعل (ضمیر) + فعل] (۲-۵۵)  
 ۵۹ آب از دست کسی نچکیدن؛ ۶۰ آب در جوی کسی نماندن؛  
 ۶۱ آب در دهان کسی خشک شدن؛ ۶۲ آه از نهاد کسی برآمدن؛ ۶۳ آب  
 از دهان کسی سرزیر شدن؛ ۶۴ باد به بیرق کسی خوردن.

۳.۱.۴ [فاعل + متمم فاعل (ضمیر)] + [فعل] (۱-۵۶)  
 ۶۵ بخت کسی گفتن؛ ۶۶ حوصله کسی سر رفتن؛ ۶۷ بغض کسی  
 ترکیدن؛ ۶۸ بند دل کسی پاره شدن؛ ۶۹ پای کسی لب گور بودن؛ ۷۰ بوی  
 حلوی کسی آمدن.

۴.۱.۴ [فاعل + متمم فاعل (ضمیر)] + [متمم فعل + فعل] (۲-۵۶)  
 ۷۱ آب چند نفر به یک جو زرفتن؛ ۷۲ بند کسی به حلال و حرام  
 باز نشدن؛ ۷۳ سر کسی به سنگ خوردن.

۵.۱.۴ [فاعل + متمم فاعل (ضمیر)] + [متمم فعل (ضمیر) + فعل] (۳-۵۶)  
 ۷۴ آبخورش کسی از جایی بریدن؛ ۷۵ آزار کسی به کسی نرسیدن.  
 ۶.۱.۴ [فاعل + متمم فاعل (ضمیر)] + [متمم فعل + متمم فعل (ضمیر) + فعل] (۴-۵۶)  
 ۷۶ پالان کسی زیر شکم خودش رفتن؛ ۷۷ پای کسی روی پای  
 خودش رفتن.

۷.۱.۴ [فاعل + متمم فاعل (ضمیر)] + [مفعول (ضمیر)] + [فعل] (۱-۵۷)  
 ۷۸ آه کسی کسی را گرفتن.

۸.۱.۴ [فاعل + متمم فاعل (ضمیر)] + [مفعول + متمم مفعول (ضمیر)] + [فعل] (۲-۵۷)  
 ۷۹ آه کسی دامن کسی را گرفتن.

۲.۴ افعال اصطلاحی درون مرکز بدون متمم ضمیر (۲-۵۴)  
 در این طبقه تنها یک نوع فعل با ساخت «[فاعل] + [متمم فعل + فعل]» وجود دارد:  
 ۸۰ آب از آب تکان نخوردن؛ ۸۱ آب از سرچشمه گل آلود بودن.

۳.۴ افعال اصطلاحی بیرون مرکز با متمم ضمیر (۳-۵۴)  
 افعال اصطلاحی بیرون مرکز با متمم ضمیر نیز بر حسب آرایش نحوی و

روابط میان اعضایشان به پنج دسته تقسیم می‌شوند:

۸۲. ۱. [متمم فعل (ضمیر)] + [فعل]  
 ۲. [متمم فعل + متمم فعل (ضمیر)]

۸۳. [متمم فعل ۱] + { ۱. متمم فعل ۲ (ضمیر)  
 ۲. متمم فعل ۱ (ضمیر) + متمم فعل ۲ }

۸۴. [مسند + متمم مسند (ضمیر) + فعل ربطی]

۸۵. [مفعول] + { ۱. [متمم فعل (ضمیر)]  
 ۲. [متمم فعل + متمم فعل (ضمیر)] + [فعل]

۸۶. [مفعول + متمم مفعول (ضمیر)] + { ۱. —  
 ۲. [متمم فعل]  
 ۳. [متمم فعل (ضمیر)]  
 ۴. [متمم فعل + متمم فعل (ضمیر)] }

برای هر یک از این انواع مثالهایی می‌آوریم.

۱.۳.۴ [متمم فعل (ضمیر) + فعل] (۱-۸۲)

۸۷ از کسی بریدن؛ ۸۸ به خود گرفتن؛ ۸۹ پای کسی ایستادن؛ ۹۰  
 برای کسی زدن. (نیز رک. مثالهای ۳۳ تا ۳۸ و توضیحات مربوط به آنها).

۲.۳.۴ [متمم فعل + متمم فعل (ضمیر) + فعل] (۲-۸۲)

۹۱ به خون کسی تشنه بودن؛ ۹۲ از جلوی کسی درآمدن؛ ۹۳ از  
 سر خود باز کردن؛ ۹۴ به روی (بزرگواری) خود نیاوردن؛ ۹۵ به ناف کسی  
 بستن.

۳.۳.۴ [متمم فعل ۱ + متمم فعل ۲ (ضمیر) + فعل] (۱-۸۳)

۹۶ با شمشیر و قرآن پیش کسی رفتن.

۴.۳.۴ [متمم فعل ۱ + متمم فعل ۲ (ضمیر) + متمم فعل ۳ + فعل] (۲-۸۳)  
 ۹۷ با پای خود به مسلخ رفتن؛ ۹۸ با طناب کسی به چاه رفتن.

حاشیه:

۱) مباحث نحوی مقاله حاضر کلاً مبتنی است بر کتاب زیر: پرویز ناتل خانلری. دستور زبان  
 فارسی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۵، ج ۶؛ و روش طبقه‌بندی افعال اصطلاحی در این مقاله  
 ملهم بوده است از دیدگاهها و نیز از روش طبقه‌بندی این‌گونه افعال در زبان انگلیسی در کتابهای

زیر:

A.P. Cowie, R.Mackin and I.R.McCaig. *Oxford Dictionary of Current Idiomatic English, Vol.2: Phrase, Clause and Sentence idioms*, Oxford, Oxford University Press, 1983. pp. vi- lxiii.

Leonard Bloomfield, *Language*, London, George Allen and Unwin LTD, 1973 (twelfth impression).

Randolph Quirk, et al. *A Comprehensive Grammar of the English Language*, Essex, Longman, 1987.

۵.۳.۴ [ممسند + متمم مسند (ضمیر) + فعل ربطی] [۸۴] (۹۹ کشته‌مردۀ چیزی بودن؛ ۱۰۰ سرگشته کسی بودن؛ ۱۰۱ انگل کسی بودن؛ ۱۰۲ پایبند امری بودن؛ ۱۰۳ پاسوزکسی/کاری شدن.

۶.۳.۴ [مفعول] + [متمم فعل (ضمیر) + فعل] [۸۵-۱] (۱۰۴ تره برای کسی خوردنکردن؛ ۱۰۵ آشی برای کسی بختن؛ ۱۰۶ آبرو برای کسی نگذاشتن.

۷.۳.۴ [مفعول] + [متمم فعل + متمم متمم فعل (ضمیر) + فعل] [۸۵-۲] (۱۰۷ آب از گلوی کسی بریدن؛ ۱۰۸ تسمه از گردۀ کسی کشیدن؛ ۱۰۹ خاک بر سر خود کردن؛ ۱۱۰ بد به دل خود نیارودن؛ ۱۱۱ بیضه در کلاه کسی شکستن (متروک)؛ ۱۱۲ پشت‌پا به بخت خود زدن.

۸.۳.۴ [مفعول + متمم مفعول (ضمیر)] + [فعل] [۸۶-۱] (۱۱۳ آتش کسی/چیزی را نشانیدن؛ ۱۱۴ پدر کسی را درآوردن؛ ۱۱۵ آبروی کسی را بردن؛ ۱۱۶ بابای کسی را سوزاندن؛ ۱۱۷ قید چیزی را زدن؛ ۱۱۸ گلکک کسی را کندن.

۹.۳.۴ [مفعول + متمم مفعول (ضمیر)] + [متمم فعل + فعل] [۸۶-۲] (۱۱۹ سرکسی را با پنبه بریدن؛ ۱۲۰ پنه کسی را روی آب انداختن؛ ۱۲۱ حرف خود را بر کرسی نشانیدن؛ ۱۲۲ صورت خود را با سیلی سرخ کردن؛ ۱۲۳ پای خود را روی دم سگ گذاشتن.

۱۰.۳.۴ [مفعول + متمم مفعول (ضمیر)] + [متمم فعل (ضمیر) + فعل] [۸۶-۳] (۱۲۴ پای خود را از کاری بیرون کشیدن؛ ۱۲۵ دست خود را روی چیزی گذاشتن؛ ۱۲۶ مَهر خود را روی چیزی زدن.

۱۱.۳.۴ [مفعول + متمم مفعول (ضمیر)] + [متمم فعل + متمم متمم فعل (ضمیر) + فعل] [۸۶-۴] (۱۲۷ پای خود را از گلیم خود درازتر کردن؛ ۱۲۸ پای خود را از کفش کسی درآوردن؛ ۱۲۹ پای خود را توی کفش کسی کردن؛ ۱۳۰ پای خود را روی دم کسی گذاشتن؛ ۱۳۱ مَهر خود را در دل کسی انداختن.

۴.۴ [افعال اصطلاحی برون‌مرکز بدون متمم ضمیر (۵۴-۴)]  
افعال اصطلاحی برون‌مرکز که در ساخت آنها متمم ضمیر وجود ندارد به انواع زیر تقسیم می‌شوند:

[۱۳۲] [متمم فعل + فعل]

[۱۳۳] [متمم فعل ۱ + متمم فعل ۲ + فعل]

[۱۳۴] [مفعول] + [متمم فعل + فعل]  
[۱۳۵] [مفعول + متمم مفعول] + [فعل]  
[۱۳۶] [مفعول] + [فعل]

۱.۴.۴ [متمم فعل + فعل] [۱۳۲] (۱۳۷ از کیسه خلیفه بخشیدن؛ ۱۳۸ از میدان در رفتن؛ ۱۳۹ به جان آمدن؛ ۱۴۰ از پس شاشیدن؛ ۱۴۱ از پشت کوه آمدن؛ ۱۴۲ به سیم آخر زدن.

روشن است که اگر عنصر فعل در ترکیبی شبیه به ساخت فوق فقط از نوع همکرد باشد (و نه مثلاً از نوع فعل بسیط یا فعل مرکب و غیره-رک. توضیحات ذیل ۴۴)، آن ترکیب را فعل مرکب به حساب می‌آوریم و نه فعل اصطلاحی (مثلاً رک. مثالهای ۱۶۴ و ۱۶۵).

۲.۴.۴ [متمم فعل ۱ + متمم فعل ۲ + فعل] [۱۳۳] (۱۴۳ با خرس به جوال رفتن؛ ۱۴۴ بی‌گذار به آب زدن.

۳.۴.۴ [مفعول] + [متمم فعل + فعل] [۱۳۴] (۱۴۵ آب در غربال بیختن؛ ۱۴۶ آب در قفس کردن؛ ۱۴۷ آب به ریسمان بستن؛ ۱۴۸ هر (را) از بر ندانستن؛ ۱۴۹ زیره به کرمان بردن.

۴.۴.۴ [مفعول + متمم مفعول] + [فعل] [۱۳۵] (۱۵۰ آهوی ناگرفته بخشیدن؛ ۱۵۱ شاخ گول را شکستن؛ ۱۵۲ دم دم خرا را بوسیدن؛ ۱۵۳ آب حمام بخشیدن؛ ۱۵۴ آهوی لنگ گرفتن. افعال این طبقه را می‌توان با افعال طبقه زیر ذیل طبقه مشترک ۵.۴.۴ (یعنی [مفعول] + [فعل]) آورد، اما در اینجا برای هر چه مشخص‌تر ساختن مرز میان افعال اصطلاحی و افعال مرکب (رک. مثالهای ۱۶۱ تا ۱۶۵) بر روی طیف افعال گروهی (رک. نمودار ۵۴)، این دو طبقه را از هم جدا ساخته‌ایم.

۵.۴.۴ [مفعول] + [فعل] [۱۳۶] (۱۵۵ آستین افشاندن (متروک)؛ ۱۵۶ آسمان را سوراخ کردن؛ ۱۵۷ آتش روشن کردن؛ ۱۵۸ بَنجَل آب کردن؛ ۱۵۹ ابرو خم نکردن؛ ۱۶۰ زمین را گاز گرفتن.

افعال این طبقه نزدیکترین افعال به افعال مرکب محسوب می‌شوند. پس از این افعال به افعال مرکب می‌رسیم:

۱۶۱ اخم و تخم کردن؛ ۱۶۲ اخ و پیف کردن؛ ۱۶۳ اسباب چینی کردن؛ ۱۶۴ به‌تن کردن؛ ۱۶۵ به‌سر کردن.

۵.۴ [افعال اصطلاحی دوفعلی (۵۴-۵)]

غالب افعال اصطلاحی در زبان فارسی دارای یک فعل صرف‌پذیر هستند، اما چند فعل اصطلاحی با دو فعل صرف‌پذیر نیز وجود دارد که تعداد

و بسامد کاربردشان بسیار کمتر از افعال اصطلاحی تک‌فعلی است. تعداد این قبیل اصطلاحات کمتر از آن است که بتوان آنها را در طبقه‌بندی خاصی گنجانند. در زیر تعدادی از این افعال را به‌عنوان مثال می‌آوریم:

(۱۶۶) پی خر مرده گشتن تا نعلش را کنند؛ (۱۶۷) آب دست کسی بودن زمین گذاشتن؛ (۱۶۸) آب‌شدن و به زمین فرورفتن؛ (۱۶۹) با پا پس‌زدن و با دست پیش کشیدن؛ (۱۷۰) کاری را بوسیدن و کنار گذاشتن؛ (۱۷۱) توی آسمان دنبال چیزی گشتن و روی زمین آن را یافتن.

## ۵) ضبط افعال اصطلاحی

در جملات زبان فارسی می‌توان محل غالب لغات یا گروه‌های لغتی را که نقش نحوی مشخصی دارند پس‌روپیش کرد بی‌آنکه تغییری در معنای جمله پدید آید. به عبارت فنی‌تر «آزادی عناصر جمله برای تغییر جایگاه یک شرط اساسی دارد: اینکه نقش آنها در جمله مشخص شده باشد. به همین سبب است که از یک جمله ساده نچهارنخته ۱ با ۱ ده می‌توان با تغییر جای عناصر سازنده آن (یعنی: نچار + نخته + با + ااره + می‌برد) ۲۴ جمله مختلف با معنای یکسان به دست آورد».<sup>۲</sup> این اصل در مورد افعال اصطلاحی نیز که از سازه‌های نحوی خاصی با نقشهایی چون فاعل، مفعول، مسند، فعل و متممهای آنها تشکیل شده است در غالب موارد صادق است. مثلاً اصطلاح (۱۷۲-الف) در زیر را می‌توان به دو صورت دیگر (ب و پ) نیز نوشت:

۱۷۲-الف) آه کسی دامن کسی را گرفتن

ب) دامن کسی را آه کسی گرفتن

پ) گرفتن آه کسی دامن کسی را

هر سه‌گونه فوق دارای معنای اصطلاحی یا کنایه‌ی واحدی هستند و هیچ‌کدام از آنها را نمی‌توان غلط دانست. اما روشن است که گونه (الف)، گونه اصلی یا معیار در ضبط این اصطلاح است، یعنی گونه‌ای که برای جلوگیری از تشتت و تکرار باید در دستورها و فرهنگهای عمومی زبان فارسی به‌کار رود. برای یافتن گونه معیار می‌توان از انگاره زیر استفاده کرد:

(۱۷۳) {فاعل} + {مفعول} + {فعل}

براساس این انگاره که مطابق با ترتیب طبیعی عناصر نحوی در جملات زبان فارسی نیز هست، همواره فاعل و متممهایش مقدم بر مفعول و متممهایش است، و این هر دو مقدم بر فعل و متممهایش است. با نگاهی به مثالهایی که در طی مقاله ارائه شده است به حاکمیت انگاره فوق بر ساخت غالب افعال اصطلاحی می‌توان پی برد. البته شرح کامل درباره ضبط افعال اصطلاحی فارسی، خاصه از نظر ضمائر، بحث مستقل و مفصلی را می‌طلبد که آن را به فرصتی دیگر واگذار می‌کنیم.

## خلاصه

برای مطالعه افعال اصطلاحی ابتدا باید محل آنها را در کل نظام واژگان زبان معین کنیم و روابطشان را با دیگر عناصر واژگانی دریابیم. نظام واژگانی و روابط میان لغات و کنایات را می‌توان براساس سه معیار دستوری و ساختی و

معنایی نشان داد (رک. نمودار ۱۳). سپس باید تفاوت میان افعال اصطلاحی و افعال مرکب را، که در مجموع افعال گروهی زبان فارسی را تشکیل می‌دهند (رک. نمودار ۱۷)، روشن کنیم. تفاوت این دو در این است که در میان اجزای سازنده افعال مرکب رابطه نحوی وجود ندارد، اما ساخت افعال اصطلاحی براساس چنین روابطی شکل می‌گیرد؛ دیگر اینکه عنصر صرفی در افعال مرکب همواره یک همکر است، اما عنصر صرفی در افعال اصطلاحی یک فعل («فعل ساده» یا «فعل پیشوندی» یا «فعل مرکب»، و یا «مسند + فعل ربطی») است. افعال اصطلاحی علاوه بر فعل دست‌کم دارای یکی از سه سازه «فاعل»، «مفعول» و «مسند»، و نیز یکی از پنج متمم زیر هستند: «متمم فاعل»، «متمم مفعول»، «متمم مسند»، «متمم فعل»، «متمم متمم فعل». تنها استثنا در این زمینه مربوط به افعالی است با ساخت {مفعول} + {فعل} که در آنها متمم وجود ندارد (رک. مثالهای ۱۵۵ تا ۱۶۰). با حذف هر یک از عناصر ساختی در افعال اصطلاحی، یا کل اصطلاح بی‌معنا می‌شود یا معنایش تغییر می‌کند (رک. مثالهای ۳۶ تا ۳۸)؛ و عنصر فعلی در افعال اصطلاحی دست‌کم در دو صیغه صرف‌پذیر است (رک. مثالهای (۳۲ الف) و (۳۲ ب)). افعال اصطلاحی را براساس تعداد افعال صرف‌پذیرشان به دو دسته افعال «تک‌فعلی» و «دوفعلی» تقسیم می‌کنیم. افعال اصطلاحی تک‌فعلی را که بخش اعظم افعال اصطلاحی را تشکیل می‌دهند به دو دسته «درون‌مرکز» (با فاعل) و «برون‌مرکز» (بدون فاعل) تقسیم می‌کنیم، و هر یک از این دو را نیز به دو دسته «با متمم ضمیر» و «بدون متمم ضمیر» تقسیم می‌کنیم (رک. نمودار ۵۴). بنابراین افعال اصطلاحی تک‌فعلی ذیل چهار طبقه عمده زیر بررسی می‌شوند: «درون‌مرکز با متمم ضمیر» (رک. ۱۰۴)، «درون‌مرکز بدون متمم ضمیر» (رک. ۲۰۴)، «برون‌مرکز با متمم ضمیر» (رک. ۳۰۴)، و «برون‌مرکز بدون متمم ضمیر» (رک. ۴۰۴). غالب افعال اصطلاحی را به گونه‌های متفاوتی می‌توان ضبط کرد (رک. مثال ۱۷۲)، ولی از میان این گونه‌ها تنها یکی گونه معیار است که مناسب برای ضبط در دستورها و فرهنگهای لغت است. گونه معیار را در غالب موارد براساس انگاره زیر که مطابق با آرایش طبیعی عناصر نحوی در جملات زبان فارسی نیز هست می‌توان به‌دست آورد:

{فاعل} + {مفعول} + {فعل}.

## حاشیه:

۱) ابوالحسن نجفی. جهانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، ص ۱۰۷.

۲) آقای دکتر علی رواتی درباره ساخت و نیز تحول تاریخی انواع کنایات فارسی اطلاعات بسیار ارزشمندی در اختیارم گذاشتند؛ از ایشان سپاسگزارم و آرزو دارم روزی اطلاعات خود را در این زمینه بر کاغذ بیاورند. مثالهای این مقاله از مأخذ زیر گردآوری شده است: احمد شاملو، کتاب کوچک، ج ۱، تهران، مآزیا، ۱۳۵۷؛ امیرقلی امینی، فرهنگ عوام، یا تفسیر احوال و اصطلاحات زبان فارسی، (تهران)، انتشارات مؤسسه مطبوعاتی علی‌اکبر علمی، (بی‌تا)؛ سلیمان حبیب، خرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی، تهران، بروخیم، ۱۳۳۴؛ علی‌اکبر دهخدا، امثال و حکم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۱، ج ۵.